

به نام آن که جان را فکرت آموخت



مجلس شورای اسلامی  
دنیای اقتصاد

علوم سیاسی

سرشناسه:	استارکی، دیوید، ۱۹۴۵ - م.
عنوان و نام پدیدآور:	Starkey, David مگناکارتا: ریشه‌های قرون وسطایی سیاست مدرن / دیوید استارکی؛ ترجمه نیایش امیدی؛ ویراستار جواد قربانی‌آتانی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر:	۱۳۶ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
مشخصات ظاهری:	علوم سیاسی.
فروست:	۶-۰۰۰-۴۹۷-۶۰۰-۹۷۸
شابک:	فیبا
وضعیت فهرست نویسی:	عنوان اصلی: Magna carta: the true story behind the chartern,2015
یادداشت:	ماگناکارتا
موضوع:	Magna Carta
موضوع:	حقوق اساسی -- انگلستان -- تاریخ
موضوع:	Constitutional history -- Great Britain
موضوع:	حقوق -- انگلستان -- تاریخ
موضوع:	Law -- England -- History
شناسه افزوده:	امیدی، نیایش، ۱۳۶۵ - ، مترجم
شناسه افزوده:	قربانی‌آتانی، جواد، ۱۳۶۱ - ، ویراستار
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ م۵الف/ KD۳۹۴۶
رده بندی دیویی:	۹۴۲/۰۳۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۰۹۷۱۱۲

# مگنا کارتا

ریشه‌های قرون وسطایی سیاست مدرن

دیوید استارکی

ترجمه نیایش امیدی



ناشر:

انتشارات دنیای اقتصاد

## مگنا کارتا

ریشه‌های قرون‌وسطایی سیاست مدرن

دیوید استارکی

نویسنده:

نیایش امیدی

مترجم:

جواد قربانی آتانی

ویراستار:

حسن کریم‌زاده

مدیر هنری:

انوشه صادقی‌آزاد

مدیر تولید فنی:

؟؟؟؟؟؟؟؟

آماده‌سازی جلد:

مریم فتاحی

صفحه‌آرا:

علی سجودی

ناظر فنی:

۹۷۸-۶۰۰-۴۹۷-۰۰۰-۶

شابک:

۵۰۰ نسخه

شمارگان:

اول ۱۳۹۷

توبیت چاپ:

پرديس

چاپ:

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ و متعلق به ناشر است

©

۷	پیش‌گفتار
۱۱	فصل ۱: پادشاه کبیر؟ جان و مخالفانش
۱۷	فصل ۲: بحران
۲۳	فصل ۳: شورش‌هایی که موجه بودند
۲۹	فصل ۴: مسیر به سوی رانی‌مید
۳۷	فصل ۵: رانی‌مید
۴۷	فصل ۶: برای همه و برای همیشه
۵۳	فصل ۷: شکست
۶۳	فصل ۸: پژواک‌های رمی
۷۱	فصل ۹: جنگ داخلی و جنگ کلمات
۷۷	فصل ۱۰: نومیدی
۸۵	فصل ۱۱: شاه جدید؛ منشور جدید
۹۵	فصل ۱۲: پیروزی و مصالحه
۱۰۱	فصل ۱۳: رضایت اختیاری و خودجوش
۱۰۷	فصل ۱۴: پس از مگنا کارتا: داستان دو منشور
۱۱۳	ضمایم؛ منشورها
۱۳۵	نمایه‌ها



## پیش‌گفتار

بیش از صد سال پیش مقدمات هفتصدمین سالگرد انتشار منشور مگنا کارتا<sup>۱</sup> در حال انجام بود. انجمن تاریخ سلطنتی<sup>۲</sup> وظیفه تدارکات را بر عهده گرفته بود؛ این انجمن، با اعتمادبه‌نفس اعلام کرد که جشن‌های بزرگداشت منشور «می‌بایست توسط افرادی شایسته اداره شود»؛ اعتمادبه‌نفسی که باعث می‌شد این حقیقت که حتی ۴۰ سال هم از زمان تاسیس انجمن نمی‌گذرد، به چشم نیاید. در هیئتی بین‌المللی متشکل از نیکان و برجستگانی چون وایکانت بریس<sup>۳</sup>، مورخ و سیاستمدار آزادی‌خواه، در جایگاه ریاست و بزرگانی چون اسقف اعظم کانتربری<sup>۴</sup> و شهردار لندن<sup>۵</sup>، «استمرار زندگی انگلیسی از سال ۱۲۱۵ تا ۱۹۱۵» معرفی شد. «از رانی‌مید<sup>۶</sup> بازدید و نطقی در آن محل ایراد شد» و فراخوانی برای ارائه مقاله‌های علمی در این باب داده شد.

در تاریخ ۴ اوت سال ۱۹۱۴، تنها ده ماه مانده به شروع مراسم بزرگداشت سالیانه، با ورود بریتانیای کبیر به صحنه درگیری‌های جنگ جهانی، همه‌چیز متوقف گردید و:

یادبود دفاع از اصل حکومت توسط قانون، در پس ابر دلواپسی‌های ناشی از نزاعی سهمگین برای ابقای این اصل با زور اسلحه، پنهان شد. هرگز چنین فجایعی سبب اختلال در برگزاری جشن‌های هشتصدساله

1- Magna Carta  
4- Canterbury

2- Royal Historical Society  
5- Lord Mayor of London

3- Viscount Bryce  
6- Runnymede

نشده است و تا همین امروز که من در حال نگارش این جملات هستم، یعنی هفته‌های نخست سال ۲۰۱۵، به نظر می‌رسد که این جشن‌ها حوادث پیش‌بینی شده سال ۱۹۱۵ را بسیار کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. این جشن‌ها از یک سال قبل از برگزاری مهمانی «یک سال تا روز موعود» توسط نخست‌وزیر به مناسبت هفتصد و نود و نهمین سالگرد انتشار منشور در خیابان داونینگ<sup>۱</sup> آغاز شد. همین امسال، کتابخانه بریتانیا<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین نمایشگاه خود تا به این زمان را برپا می‌کند. هر چهار رونوشت بازمانده از منشور<sup>۳</sup> ۱۲۱۵، ابتدا در کتابخانه بریتانیا و سپس در میان شکوه و جلال نئوگوتیک گالری سلطنتی<sup>۴</sup> در کاخ وست‌مینستر<sup>۵</sup>، دوباره به هم خواهند پیوست. اعلامیه استقلال<sup>۶</sup> و لایحه حقوق بشر<sup>۷</sup> از واشنگتن به اینجا آورده می‌شود تا به منشور آبا و اجدادی خود ادای احترام کنند. ملکه در روز ۱۵ ژوئن در رانی‌مید در جایگاه پادشاه جان قرار خواهد گرفت. در مکان‌هایی همچون کلیسای تمپل<sup>۸</sup>، لینکلن<sup>۹</sup> و سالیسبوری<sup>۱۰</sup> و هر مکان دیگری که بتوان ادعا کرد با منشور وابستگی دارد، نمایش‌ها، بحث‌ها، رژه‌ها و بازآفرینی‌هایی از تصویب مجدد قانون اجرا می‌شود. فصل کامل این برنامه‌ها با عنوان *سلب آزادی‌ها*<sup>۱۱</sup> در شبکه بی‌بی‌سی پخش می‌شود و وظیفه اجرای یکی از این برنامه‌ها به عهده این جانب است؛ کتاب‌هایی در این باره نیز وجود دارد.

برنامه تلویزیونی من که به طرز مغرورانه‌ای، تحت عنوان *مگنا کارتای دیوید استارکی* نام‌گذاری شده است (البته نه توسط شخص من)، منشور را در گستره هشتصدساله‌ای از قرن سیزدهم تا به امروز بررسی می‌کند. تمرکز این کتاب روی اقداماتی است که برای این برنامه تلویزیونی انجام داده‌ام؛ اما دامنه و هدف آن متفاوت است. این کتاب به‌جای شرح اجمالی وقایع این هشت قرن، روی دوره ده‌ساله ۱۲۱۵ تا ۱۲۲۵ متمرکز است. در طول همین دهه بود که منشور از رساله‌ای افراطی به شالوده «قانون مشروطه در حال رشد انگلستان» تغییر ماهیت داد. در متن کتاب به‌تفصیل در مورد این دیدگاه مگنا کارتای بحث شده است؛ این موضوع

1- Downing Street  
4- Royal Gallery  
7- Bill of Rights  
10- Salisbury

2- British Library  
5- Westminster  
8- Temple Church  
11- Taking Liberties

3- Charter  
6- Declaration of Independence  
9- Lincoln



همچنین در بخش «ضمایم: منشورها»ی این کتاب و در قالب جدولی متشکل از سه نسخه مهم منشور ۱۲۱۵، ۱۲۱۶ و ۱۲۲۵ در ستون‌های موازی ارائه و فصل‌ها (بندها) شماره‌بندی و منطبق شده‌اند.

با استفاده از این روش، خواننده از طریق مروری اجمالی قادر به مشاهده هر آنچه است که در دهه مذکور ثابت مانده یا تغییر کرده است. نتیجه غیرقابل اجتناب است: منشوری دست‌پرورده است، محصول کودتای انقلابی ۱۲۱۵ نیست، بلکه محصول مبارزه متقابل محافظه‌کاران در سال ۱۲۱۶ و همچنین مصالحه و معامله میان‌روانِ هشیار در سال ۱۲۲۵ است.

این داستان با تعداد قابل توجهی از شخصیت‌ها، وقایع آشفته و تغییرات ناگهانی در شانس و اقبال، از آن دسته داستان‌های بسیار فریبنده است که به‌طرز فوق‌العاده‌ای خوب ثبت شده و اهمیت آن کمتر از خود منشور نیست. در حقیقت، این احتمالاً نخستین رویداد در تاریخ انگلستان است که فرآیند سیاسی در آن کاملاً مشهود است.

قصد دارم این داستان را نه با توجه به آینده، بلکه بر اساس وقایع هر روزه آن نقل کنم. صادقانه بگویم، این داستان پادزهری برای برخی از تعصب‌های غرورآمیز جشن‌های سالگرد است؛ با این حال، هدف من این نیست که منشور را کم‌ارزش جلوه دهم، بلکه کنجکاوم که آیا داستان واقعی مگنا کارتا می‌تواند ما را در مورد نارضایتی‌های حال حاضر، مساعدت یا هدایت کند.

هرچند شما به‌واسطه جشن‌های رسمی مگنا کارتا با آن آشنا نخواهید شد، اما باید بدانید که در رابطه با این میراث مگنا کارتا خیلی از مسائل خالی از اشکال نیست؛ هیچ‌گونه تهدید نظامی خارجی مانند مشکلات سال ۱۹۱۵ وجود ندارد؛ اما اکنون، در سال ۲۰۱۵، مشکلاتی بس عمیق‌تر و توطئه‌آمیزتر پیش روی ما قرار دارد. قانون مشروطه ما در واقع ۸۰۰ سال قدمت دارد که البته امری خوب و قابل توجه است؛ اما در عین حال نشان‌دهنده کهن‌سالی و صدای شکستن مفاصل آن نیز هست. برخی حتی می‌گویند که از پوکی استخوان علاج‌ناپذیری رنج می‌برد. آیا وقت آن رسیده که تسلیم شویم و از نو شروع کنیم؟ آیا یادآوری نقطه شروع همه اینها در مگنا کارتا، راه بهتری را پیش روی ما قرار می‌دهد؟



## فصل ۱ پادشاه کبیر؟ جان<sup>۱</sup> و مخالفانش

در سال ۱۲۱۲، این گونه به نظر می‌رسید که جان، پادشاه انگلستان، لرد ایرلند و دوک آکیتن<sup>۲</sup> درصدد است پا جای پای اجداد خود بگذارد. یکی از نویسندگان معاصر او که اطلاعات زیادی در این باره داشته است، می‌نویسد: «در سراسر ایرلند<sup>۳</sup>، اسکاتلند<sup>۴</sup> و ولز<sup>۵</sup> کسی نبود که مطیع اوامر او نباشد؛ و چنان‌که می‌گویند هیچ‌کدام از نیاکان او به چنین جایگاهی دست نیافته بودند». این خود دستاوردی شگرف بود. جان در سال ۱۱۶۷ به دنیا آمد و کوچک‌ترین عضو خانواده‌ای ۸ فرزند، با ۵ پسر و ۳ دختر، بود. او برای به ارث بردن انگلستان، نورماندی<sup>۶</sup>، آنژو<sup>۷</sup>، مین<sup>۸</sup> و تورن<sup>۹</sup> از پدرش هنری دوم<sup>۱۰</sup> و آکیتن از مادرش النور<sup>۱۱</sup> خود را آماده کرده بود. این مجموعه سرزمین‌ها که تاریخ‌دانان آن را با نام «امپراتوری انژوین»<sup>۱۲</sup> می‌شناسند، از اسکاتلند تا پیرنه<sup>۱۳</sup> گسترده شده بود و بزرگ‌ترین سرزمین در اروپا بود که تنها یک حکمران بر آن حکومت می‌کرد و پادشاهی فرانسه را کوچک جلوه می‌داد. جان که «بی‌سرزمین» لقب گرفته بود<sup>۱۴</sup> و به‌عنوان کوچک‌ترین پسر خانواده هیچ سهمی به او تعلق نمی‌گرفت، آماده بود تا برای تصاحب این میراث دست به هر اقدامی بزند.

- 
- |                     |          |                |              |           |             |
|---------------------|----------|----------------|--------------|-----------|-------------|
| 1- John             |          |                | 2- Aquitaine |           |             |
| 3- Ireland          |          | 4- Scotlandand |              | 5- Wales  |             |
| 6- Normandy         | 7- Anjou | 8- Maine       | 9- Touraine  | 10- Henry | 11- Eleanor |
| 12- Angevin Empire: |          |                |              |           |             |

سرزمین‌هایی که توسط خانواده کنت‌های آنژو اداره می‌شد. م.

13- Pyrenees

14- Lackland:

این لقب را وقتی ۵ ساله بود پدرش به شوخی بر او گذاشت چرا که طبق رسم نام برادران بزرگ جان با نام سرزمینی که به آنها تعلق می‌گرفت خوانده می‌شد اما جان سرزمینی را به ارث نمی‌برد. م.

او به پدرش که در بستر مرگ بود و همچنین به برادرش ریچارد<sup>۱</sup> در اوج نیازش خیانت کرد. او در سال ۱۱۹۹ به شکلی چالش برانگیز بر تخت پادشاهی نشست و آرتور دوک بریتنی<sup>۲</sup> را که خواهرزاده و رقیب تاج و تختش بود، به قولی با دستان خودش، به قتل رساند.

اما جان که برای رسیدن به تاج و تخت از تنگاب خون و خیانت گذر کرده بود، طی تقریباً پنج سال تکه تکه بهترین بخش میراث اروپایی خود را از دست داد.

نخستین سرزمینی که از دست داد سرزمین اجدادی اش آنژو بود؛ مکانی که خانواده اش زیر گور تندیس های شکوهمند و مصور صومعه فونتورولت<sup>۳</sup> به خاک سپرده شده بودند. مین، تورن و نرماندی سرزمین های بعدی بودند و این روال تا جایی ادامه یافت که تنها آکیتن و قلمروهای مرزی آن باقی ماندند.

مسبب اصلی از دست رفتن تمام این سرزمین ها فیلیپ دوم، پادشاه فرانسه، بود که مبنای کار و زندگی اش را بر نابودی و استیلای امپراتوری انژوین قرار داده بود. زندگی فیلیپ آیینه ای از زندگی جان بود. او در سال ۱۱۶۲ به دنیا آمد و پسر لویی هفتم<sup>۴</sup> سالخورده بود که چند دختر داشت و مدت ها بود که انتظار فرزند پسر را می کشید. فیلیپ در چهارده سالگی تاج گذاری کرد؛ در پانزده سالگی ازدواج کرد و در سال ۱۱۸۰ پس از مرگ پدر فرتوت و زمین گیرش یگانه پادشاه آن سرزمین شد. فیلیپ هم به مانند جان در کسوت پادشاهی اشتهای ظالمانه ای را برای قدرت نشان می داد: او یهودیان را اذیت می کرد و آنها را بیرون می راند؛ با پاپ سر ناسازگاری داشت؛ درآمد و قدرت اجرایی شاه را به میزان زیادی گسترش داد و در تمامی دادوستدهای خود آزمند، حریص و حقه باز بود. تفاوت او با جان در موفقیت آمیز بودن این اعمال بود. تا حدی این موفقیت

1- Richard

2- Arthur of Brittany:

کوچکترین پسر جفری دوم که پس از مرگ پدرش به دنیا آمد. در سال ۱۱۹۰ آرتور توسط عموی خود ریچارد اول به عنوان وارث تاج و تخت انگلستان و بخش هایی از فرانسه که متعلق به انگلیس بود تعیین شد -گفته می شود که او به دست جان به قتل رسیده است. م.

3- Abbey of Fontevrault

4- Louis

را می‌شد به شانس نسبت داد؛ اما فیلیپ که بیش از همه سیاست‌مداری عالی‌رتبه بود، در خبثات گوی سبقت را از جان هم ربوده بود. در نتیجه با کوچک شدن قلمروی جان قلمروی فیلیپ بزرگ و بزرگ‌تر می‌شد. ریگورد<sup>۱</sup> پزشک صومعه‌نشین و نخستین کسی که زندگی فیلیپ را به رشته تحریر درآورد، با دادن عنوان «اوگوست» به او، این حقیقت را به موضوع اصلی زندگی‌اش بدل ساخت.

ریگورد در مقدمه خود این‌گونه شرح می‌دهد: «معمولاً نویسندگان نام اوگوست را (که از فعل *augeo* به معنی ساختن، بزرگ کردن یا افزایش دادن ساخته شده است) در مورد امپراتورانی به کار می‌برند که به بسط و گسترش دولت خود پرداخته‌اند.» ریگورد در ادامه می‌افزاید: «او حتی در ماه آگوست (اوت) به دنیا آمده است، ماهی که به [نخستین امپراتور] اوگوست اختصاص داده شده است و در آن انبارها و چرخش‌ها<sup>۲</sup> مملو از انواع میوه‌های روی زمین هستند.»

تقابل میان این مظهر فراوانی و باروری و لقب «بی‌سرزمین» جان به تمام معنا حس می‌شود؛ اما چنین تضادی خیلی بیشتر از این حرف‌ها بود. کشمکش میان اوگوست و بی‌سرزمین حتی شکل دوئل به خود گرفته بود: نبردی تن‌به‌تن!

و برنده این دوئل مرد قوی‌تر بود. بیشتر مواقع جان یا جا می‌زد یا عقب‌نشینی می‌کرد یا پا به فرار می‌گذاشت. نتیجه اینکه اتهام بزدلی هم به دیگر معایش افزوده شد و به او لقبی شرم‌آورتر از لقب پیشین داده شد: «بی‌صلابت»<sup>۳</sup>.

خلاصی از این القاب و عناوین کار آسانی نبود؛ اما جان خیلی زود موفق به این کار شد. از زمان تسخیر انگلستان به دست نورمن‌ها، جای پادشاهان انگلیسی بسیار خالی بود. از دست رفتن بسیاری از سرزمین‌های فرانسوی متعلق به جان ناگزیر این روال را تغییر داد و در پی آتش‌بس با فیلیپ اوگوست در سال ۱۲۰۶، جان تمرکز خود را بر انگلستان و جمع‌آوری و

1- Rigord

۲- دستگاهی است که برای افشردگی از انگور له‌شده استفاده می‌شود. م.

3- Softsword

ذخیره پول معطوف ساخت. او هرکسی را -از نجیب‌زادگان گرفته تا مردم عادی، یهودیان و کلیسا- هدف قرار می‌داد و به هر وسیله‌ای دست می‌یازید. او به طرز حیرت‌انگیزی در این کار موفق بود. جان درآمدهای سلطنتی را دو برابر کرد و تا سال ۱۲۱۲ اندوخته عظیمی را حداقل به ارزش ۱۳۲ هزار پوند جمع‌آوری کرد که در قالب سکه در چندین خزانه قصر نگهداری می‌شد. یکی از منابع عمده ثروت جان، سیاست به‌شدت تجاوزکارانه او در برابر کلیسا بود. پادشاهان انگلستان -حتی ویلیام فاتح<sup>۱</sup> که دین‌دار و حامی پاپ بود- مصمم به حفظ اقتدار اجدادی خود در برابر کلیسای انگلستان بودند. جان هم از این قاعده مستثنا نبود؛ اما او خود را در برابر رقیبی نیرومند یعنی اینوسنت سوم<sup>۲</sup> یافت. اینوسنت تقریباً هم‌سن و سال جان بود: او در سال ۱۱۹۸، یک سال قبل از به سلطنت رسیدن جان، به مقام پاپ نائل شد و مقام خود را به‌اندازه جان بلندپایه می‌دانست. او با بازگو کردن یکی از سخنان ارمیای<sup>۳</sup> نبی که «حکمرانی بر ممالک و ملل، از برای ریشه‌کن کردن و نابود کردن، ساختن و کاشتن است» حتی از پادشاه هم مقام خود را بالاتر می‌دانست.

از این‌رو، اختلاف اجتناب‌ناپذیر بود. تا اینکه ماجرای جان‌شینی مقام اسقفی کانتربری، اسقف اعظم کلیسای انگلستان، پیش آمد. جان این منصب را برای اسقف آن روزهای نوریچ<sup>۴</sup> در نظر گرفته بود اما اینوسنت خواهان انتصاب استفان لنگتون<sup>۵</sup> بود. اولی کشیشی عادی و کاملاً مرید پادشاه، و دومی یکی از نوایغ برجسته انگلستان در زمان خود بود. جان که خود از علائق روشنفکرانه بی‌بهره نبود، می‌توانست این امر را تحمل کند؛ اما آنچه درباره لنگتون قابل قبول نبود و او را در نظر شاه کاملاً فاقد صلاحیت می‌کرد، این بود که سراسر دوره زندگی تحصیلی او، چه به‌عنوان محصل و چه

۱- ویلیام اول (۱۰۲۷-۱۰۸۷) که با عنوان ویلیام فاتح شناخته می‌شود، نخستین پادشاه دودمان نورمن‌ها در تاریخ انگلستان است. م.

2- Innocent III:

اینوسنت سوم یکی از پاپ‌های کلیسای کاتولیک رم بود که در ایتالیا به دنیا آمد و در ۱۱۹۸ در ۳۷ سالگی به این مقام برگزیده شد و تا ۱۲۱۶ مقام پاپی را داشت. م.

3- Jeremiah 4- Norwich

۵- کاردینال انگلیسی کلیسای کاتولیک رم و اسقف اعظم کانتربری از سال ۱۲۰۷ تا زمان مرگش در سال ۱۲۲۸ بود. بحث بر سر جان‌شینی او میان جان و اینوسنت سوم عامل اصلی در شکل‌گیری ماگنا کارتا بود. م.